
ارائه مدل پارادایمی توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی بر اساس نظریه داده بنیاد

جواد طاهرزاده^۱، رسول نظری^{۲*}، جمشید همتی^۳

ص.ص: ۸۵-۱۰۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۶

تاریخ تصویب: ۹۹/۰۲/۱۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، ارائه الگوی توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی است که با استفاده از طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد انجام گرفت. شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، متخصصان و صاحب‌نظران ورزش همگانی بودند که تعداد ۲۰ نفر از میان آن‌ها به صورت نمونه‌گیری نظری جهت مصاحبه عمیق انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده گردید. ۴۵۰ گزاره مفهومی اولیه با ۱۴ مقوله و ۳۸ مفهوم در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی، شامل شرایط علی (۱ مقوله)، پدیده اصلی (افزایش مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی)، راهبرد (۲ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۵ مقوله)، شرایط محیطی (۴ مقوله) و پیامد (۱ مقوله) شناسایی شدند. پیامدهای حاصل از مدل تحقیق نشان داد که بهبود نگرش و آگاهی، افزایش انگیزه و علاقه و افزایش نشاط و شادابی، می‌تواند باعث جلب مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی در فعالیتهای ورزش همگانی دانشگاه شود. بنابراین، ضرورت دارد جهت توسعه ورزش همگانی و افزایش مشارکت افراد، خط‌مشی‌های توسعه ورزش همگانی در دانشگاه آزاد اسلامی مبتنی بر مدل طراحی شده تحقیق حاضر باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، مشارکت، نظریه داده بنیاد، ورزش همگانی

۱. دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران

۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران

۳. استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیهبهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: nazarirasool@yahoo.com

Developing the Paradigmatic Model of Sport for All in Islamic Azad University Based on Grounded Theory

Taherzadeh, J. (MA), Nazari, R*. (PhD), Hemati, J. (PhD)

Abstract

The aim of this study was to develop a model of sport for all development in Islamic Azad University that was carried out using the systematic theory of grounded theory. The participants in the present study were experts of sport for all and 20 subjects were selected by theoretical sampling for deep interviews and interviews continued until theoretical saturation. For data analysis, open, axial and selective coding was used. 450 initial conceptual propositions with 14 categories and 38 concepts in the form of 6 dimensions of the paradigmatic model including causal features (1 category), the main phenomenon (increased participation of students, staff and faculty members), strategy (2 categories), the underlying features (5 categories), environmental features (4 categories) and outcome (1 category) were identified. The results of the research model showed that improvement in attitude and awareness, increase in motivation, interest, vitality and happiness can attract the participation of students, staff and faculty members in university sport for all. Therefore, it is essential that sport for all development policies in Islamic Azad University are based on the model developed in this study to develop sport for all and increase the participation of individuals.

Keywords: development, participation, grounded theory, sport for all.



مقدمه

در سال‌های اخیر، همگام با تحولات بنیادین و همه‌جانبه در جامعه و گسترش فناوری و ماشینی شدن زندگی، چاقی و بیماری‌هایی مانند بیماری‌های قلبی عروقی، که اغلب از کم‌حرکی و فقر حرکتی ناشی می‌شود، شیوع پیدا کرده است (۱۱). نتیجه کم‌حرکی و فقر حرکتی، نارسایی‌هایی است که جنبه‌های مختلف جسمانی، روانی و اجتماعی را به همراه دارد (۶). بی‌حرکی، نه تنها پیامدهایی برای فرد، بلکه به لحاظ صرف هزینه، پیامدهایی را برای جامعه نیز به همراه داشته (۱۷) و به یک نگرانی و بحران مهم سلامت عمومی جامعه تبدیل شده است (۲۰). بر اساس برآورد سازمان بهداشت جهانی، تقریباً ۳۱ درصد جمعیت جهان بی‌تحرك هستند (۲۶). عدم تحرک بدنی، به عنوان چهارمین عامل خطری منجر به مرگ در سراسر دنیا معرفی شده و سالیانه ۶ درصد جمعیت جهان به علت بی‌تحركی دچار مرگ می‌شوند (۱۸). با افزایش سطوح بی‌تحركی و چاقی، بر ارزش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی جهت کسب فواید اجتماعی و سلامتی ناشی از آن سرمایه‌گذاری می‌شود. به همین دلیل، کشورهای پیشرفته و صنعتی، توجه خاصی به گسترش ورزش و تربیت بدنی در جامعه دارند تا با استفاده از دستاوردهای بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی و رشد و گسترش ورزش، هم خود را به شاخص‌های توسعه نزدیک کنند و هم با استفاده از نیروی انسانی سالم و کارآمد، برای تحقق اهداف دیگر توسعه برنامه، برنامه‌ریزی نمایند (۱). در دنیای امروز، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه و پیشرفت واقعی کشورها، ورزش می‌باشد. موفقیت در عرصه ورزش، توجه مدیران و دست‌اندرکاران ورزش را بیش از پیش به خود جلب کرده است (۸). چرا که ورزش به عنوان یکی از عوامل تأمین‌کننده سلامت جسمانی و روانی افراد جامعه محسوب می‌شود (۲۵)، در واقع، یکی از علل سرمایه‌گذاری بالای کشورها در زمینه توسعه ورزش، تأثیر بر شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه بوده و حتی تقویت وجهه (۲۲) و اعتبار آن کشور در عرصه جهانی را در پی خواهد داشت (۲۳).

بخش عمده‌ای از ورزش که با سلامتی و نشاط جامعه ارتباط نزدیک داشته و بسیاری از کارکردهای اساسی ورزش در آن خلاصه می‌شود، ورزش همگانی یا ورزش برای همه^۱ است (۲). ورزش همگانی، فرصت‌هایی جهت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، بدون هیچگونه محدودیت ناشی از وضعیت اجتماعی، نژادی و معلولیت و در اوقات فراغت افراد فراهم می‌کند؛ بنابراین، همه افراد باید از ورزش کردن بهره برده و ورزش، حق همه افراد است (۱۶). طی سه دهه گذشته، شعار ورزش برای همه، به صورت اصل بنیادی و اولویت برنامه‌های ورزشی در اغلب کشورهای جهان پذیرفته شده است. برای تحقق این شعار همگانی، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی و بسیاری از سازمان‌های غیر ورزشی با صرف هزینه‌های بسیار زیاد، برنامه‌های مدون و سازمان‌یافته‌ای را به منظور مشارکت همه قشرهای اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌های برابر در ورزش‌های تفریحی و انواع فعالیت‌های مفرح جسمانی،

^۱. Sport For All

شروع و اجرا کردند (۱۵). ورزش، به عنوان بخش مهمی از نظام تعلیم و تربیت، جایگاه اساسی و سرنوشت سازی داشته و کارکردهای مختلفی در جامعه دانشگاهی کشور به همراه دارد (۱۰). از آنجا که ورزش دانشگاهی در دسترس ترین منابع تحقیقات علوم ورزشی را در اختیار می گذارد و بسیاری از تحقیقات در ورزش دانشگاهی قابل تعمیم به سایر بخش های ورزش است، به لحاظ ماهیت آموزشی و پرورشی می تواند نقش مهمی در توسعه ورزش کشور ایفاء نماید (۱۲). همچنین، با توجه به این که دانشگاه ها، وظیفه تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص، ماهر و سالم را بر عهده دارند، ورزش دانشگاهی، بخش مهمی از اهداف بلندمدت توسعه ملی در بخش ورزش و جوانان محسوب می شود. ورزش دانشگاهی، در تأمین سلامت جسمانی و روانی دانشجویان بسیار مؤثر بوده و در بین دانشجویان نیز از اهمیت ویژه و توجه خاصی برخوردار است. علاوه بر این، توسعه ورزش دانشگاهی می تواند پشتوانه ای غنی برای توسعه ورزش کشور قلمداد شود (۷).

جامعه دانشگاهی را می توان اساتید، کارمندان و دانشجویانی تعریف کرد که در دانشگاه ها، نهادها و مؤسسات آموزشی مشغول به فعالیت هستند. توجه به ورزش جامعه دانشگاهی می تواند بسیار سازنده بوده و نتایج مثبتی را در پی داشته و شادابی و سلامتی روحی و جسمی آنها را حفظ نماید (۱۱). هدف اصلی از گنجاندن برنامه آموزشی تفریحی و ورزشی و تحقق برنامه های ورزشی در دانشگاه ها، ارضای نیاز به فعالیت بدنی و ورزشی در دانشجویان است. از پیامدهای مهم توجه به فعالیت های تفریحی و ورزشی، به عنوان یک موضوع الزام آور دانشگاهی، غلبه بر تمایلات منفی جهت کاهش بی تحرکی، خلق شرایطی برای فعالیت بدنی مستمر، بهبود و حفظ فعالیت های حرکتی و نیز حفظ شرایط جسمانی دانشجویان در سطحی رضایت بخش و تشویق به فعالیت بدنی و سبک زندگی فعال در آنان است (۲۴).

در ایران علی رغم وجود سازمان ها و بخش های متعددی که هر کدام خود را به نوعی در قبال همگانی شدن ورزش مسئول می دانند، متأسفانه شاهد هستیم که مشارکت کنندگان در ورزش های تفریحی، نسبت به سایر کشورها، وضعیت چندان مطلوبی ندارند (۷). سلامت دانشجویان به عنوان فرهیختگان علم و چارچوب اصلی پیکره جامعه جوان حائز اهمیت بوده و انجام فعالیت های بدنی در کنار علم اندوزی می تواند در یادگیری آنان تأثیر قابل توجهی داشته باشد (۵). نتایج تحقیقات نشان می دهد ۵۰ درصد دانشجویان دانشگاه ها از شرکت کافی در فعالیت های جسمانی، جهت کسب مزایای سلامتی کوتاهی کرده (۱۹) و سطوح پائین شدت و تکرار فعالیت ورزشی جمعیت دانشجویان، گواه بر سبک زندگی ناسالم در آن ها است (۱۸). از بعد عدم فعالیت بدنی و عواقب آن، از دوره نوجوانی (۱۹-۱۵ سال)، اوایل جوانی (۲۵-۲۰ سال) و دوره دانشجویی، خصوصاً به عنوان دوره های بحرانی نام برده شده که در این دوره ها، افت قابل ملاحظه فعالیت های بدنی و مشارکت در فعالیت های ورزشی به چشم می خورد و اغلب دانشجویان از تنهایی، تعارضات و اختلافات در ارتباط با همسن و سالان خود و نیز افزایش استرس شکایت دارند (۲۴). میزان ساعات زیادی از زندگی دانشجویان در دانشگاه ها، بدون برنامه ریزی و با اتلاف وقت صرف می شود که با توجه به مدیریت، طراحی، تنظیم و قرارگیری فضاهای ورزشی در



فضای دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها، می‌توان میل به حضور در این فضاها را در دانشجویان ایجاد کرد (۱۴).

هر چند به نظر می‌رسد مطالعات زیادی در زمینه ورزش همگانی دانشگاهی در داخل و خارج از کشور انجام شده، اما اغلب آن‌ها بدون بررسی بسترهای توسعه دانشگاهی انجام پذیرفته است. برای مثال سید عامری و آلین (۱۳۹۱)، مهدی‌زاده و اندام (۱۳۹۲) و منافی (۱۳۹۴)، منظمی و بوشهری (۱۳۹۰)، سید عامری و آلین (۱۳۹۱)، پیرجمادی (۱۳۹۴)، منافی (۱۳۹۴)، گالگوس^۱ (۲۰۱۰)، الگیلانی^۲ (۲۰۱۱)، دیمیتریسکو^۳ (۲۰۱۴) و تام دلینس^۴ (۲۰۱۵)، بخشی از برنامه‌ها و فرآیندهای ورزشی دانشگاهی و زمینه‌های موانع مشارکت را بررسی کردند و به عامل محدودیت زمانی، کمبود امکانات، عامل عدم حمایت اجتماعی، عامل سازمانی و مدیریتی، عامل محیطی و عامل روانشناختی اشاره نموده‌اند (۶). هم چنین اغلب تحقیقات در حوزه ورزش همگانی دانشگاهی با هدف تدوین استراتژی انجام شده و هیچ گونه الگویی جهت توسعه ورزش همگانی دانشگاهی مبتنی بر نظریه پردازي داده بنیاد ارائه نشده است. حفظ‌اللسان (۱۳۹۵)، مدل توسعه ورزش همگانی دانشگاه‌های دولتی را با استفاده از مدل سه شاخگی، در سه سطح رفتاری (جمعیتی، روان شناختی، رفتاری، ساختاری)، سطح سازمانی (منابع مالی، استاندارد و ارزیابی، نهادها و تشکیلات، منابع انسانی و غیره) و سطح محیطی (نظام اقتصادی کشور، نظام اجتماعی کشور و غیره) ارائه کرده است. همچنین چنگ (۱۹۹۸)، مدل مشارکت در ورزش‌های تفریحی دانشجویان تایوانی را ارائه کرده است که شامل شش مولفه آمادگی و استعداد درک شده برای ورزش، عوامل جمعیتی، هنجارهای اجتماعی، منافع و موانع درک شده از ورزش مورد نظر، محرک فعالیت و احتمال مشارکت در ورزش مورد نظر می باشد (۶). تاکنون در حوزه مدل‌سازی ورزش همگانی در دانشگاه آزاد اسلامی پژوهشی انجام نشده است. همچنین از لحاظ نو بودن در داخل کشور، موضوع پژوهش تاکنون در دانشگاه‌های کشور انجام نشده است. از لحاظ نو بودن در جامعه مورد بررسی برای اولین بار در سطح دانشگاه‌های کشور انجام شده است. از لحاظ روش تحقیق، نیز تاکنون از روش گراند تئوری بهره گرفته نشده است. نکته ای که پژوهش حاضر را از مطالعات گذشته در زمینه ورزش همگانی متمایز می کند، این است که عمده پژوهش‌های گذشته فقط تعداد محدودی از موانع و عوامل توسعه ورزش همگانی دانشجویان را بررسی کرده و به آن اشاره داشته اند. اما در این پژوهش سعی شده است با انجام مصاحبه با خبرگان فهرست نسبتاً جامعی از عوامل توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی تهیه و گزارش شود. حال این پرسش مطرح می‌شود که مدل پیشنهادی توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی چگونه می‌باشد؟

1. Gallegos

2. El-Gilany

3. Dumitrescu

4. Tam Deliens

روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر با استفاده از راهبرد نظریه داده بنیاد^۱ استراوس و کوربین^۲، نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره مؤلفه‌های توسعه ورزش همگانی در دانشگاه آزاد تحلیل شد. روش تحقیق این مطالعه، از نظر هدف، جزء مطالعات توسعه‌ای و نوع تحقیق از نظر نحوه اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، از نوع تحقیقات کیفی^۳ بود. در این تحقیق، از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد استفاده شد. با توجه به این مسئله که محقق در نظر داشت تجارب، دانش، آگاهی، تفکرات و دیدگاه‌های افراد درگیر را به منظور مشخص کردن و صورت‌بندی یک نظریه بررسی کند، نظریه داده بنیاد، به عنوان یک شیوه مناسب انتخاب شد. این روش که به نظریه برخاسته از داده‌ها شناخته می‌شود، نوعی شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن، با استفاده از یک دسته داده، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. بنابراین این پژوهش، یک تحقیق کیفی در قالب بحث‌های گروهی از نوع تحلیل محتوایی^۴ و ساختاری^۵ است (۴). جامعه آماری، در قلمرو پژوهش حاضر، متخصصان و صاحب‌نظران دانشگاهی و غیردانشگاهی ورزش همگانی کشور بود که از بین آن‌ها، ۲۰ نفر مدنظر قرار گرفتند. با توجه به استفاده از روش داده‌بنیاد و انجام مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، نمونه تحقیق به صورت ترکیبی از روش نمونه‌گیری نظری^۶ و گلوله برفی^۷ انتخاب شد. در روش نمونه‌گیری نظری، که روش غالب در تئوری زمینه‌ای شناخته می‌شود، نمونه‌ها به گونه‌ای انتخاب می‌شود تا در رسیدن به ایجاد تئوری یا نظریه کمک کنند. در روش نمونه‌گیری گلوله برفی نیز برای جمع‌آوری نمونه‌ها، از شبکه اجتماعی با ویژگی مشترک استفاده می‌شود. پژوهشگر زمانی که تعداد کمی نمونه با ویژگی‌های لازم را پیدا کرد، از آنها می‌خواهد افراد دیگر را که ویژگی‌های مشترک دارند، معرفی کنند. ممکن است چند نفر به صورت مکرر توسط افراد مطلع توصیه شوند. در مواردی که این نوع همگرایی میان آراء صاحب‌نظران وجود دارد، افراد انتخاب شده، نمونه‌ای بسیار معتبر را تشکیل خواهند داد.

ابزار پژوهش حاضر، مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی بود. سؤالات مصاحبه‌ها از نوع باز پاسخ بود و بر اساس ابعاد نظریه داده‌بنیاد، موجبات علی، شرایط محیطی، ویژگی‌های زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها را مورد بررسی قرار داد تا از زبان مصاحبه‌شوندگان، موضوع روشن شود. زمان در نظر گرفته شده برای هر مصاحبه، به طور میانگین، ۶۰ دقیقه بود. تمام مصاحبه‌ها توسط شخص محقق انجام گرفت و در ادامه با اجازه مصاحبه‌شوندگان، ضبط و سپس پیاده شد. با توجه به ادبیات نظری پژوهش‌های کیفی، همزمان با انجام مصاحبه‌ها، تحلیل و کدگذاری آن‌ها نیز انجام پذیرفت. بدین‌منظور، پس از انجام مصاحبه‌ها و

1. Grounded Theory

2. Strauss & Corbin

3. Qualitative Research

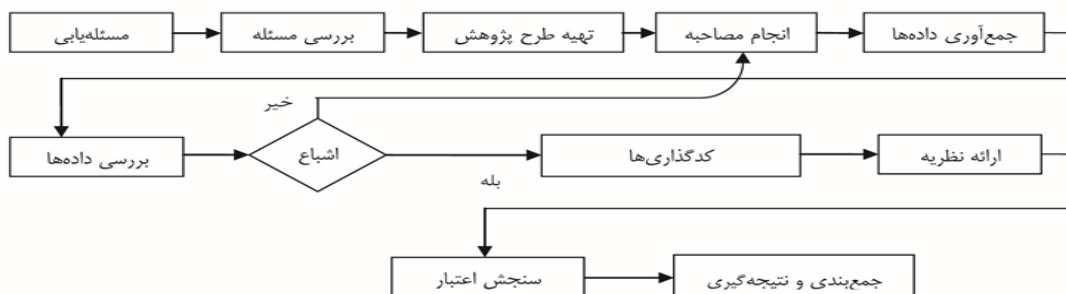
4. Content analysis

5. Framework analysis

6. Theoretical sampling

7. Snowball sampling

پایاده سازی آنها، متن مصاحبه‌ها چندین بار مرور شد تا به کوچک‌ترین واحدهای تشکیل دهنده و معنی دار یا درونمایه و یا به اصطلاح کلمات، خرد شدند. به منظور یافتن مرکزیت در بین آن‌ها، این کلمات، مرور و بر این اساس مقوله‌بندی شدند. سپس بین متون اولیه و مقولات نهایی، چندین بار طی مسیر استقرائی تکرار شد تا در نهایت، ثبات قابل قبول و مشترکی در بین پژوهشگران، درباره آنچه حاصل از داده‌ها بود، ایجاد گردد. کدگذاری در این تحقیق به صورت باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. استراوس و کوربین، کدگذاری انتخابی را به همراه کدگذاری باز و محوری این گونه تشریح می‌کنند: در کدگذاری باز، تحلیلگر به پدیدآوردن مقوله‌ها و ویژگی‌های آنها می‌پردازد و سپس می‌کوشد مشخص کند که چگونه مقوله‌ها در طول بدهای تعیین شده تغییر می‌کند. در کدگذاری محوری، مقوله‌ها، نظام‌مند بهبود می‌یابد و با زیرمقوله‌ها پیوند داده می‌شود؛ با این حال، این‌ها هنوز مقوله‌های اصلی نیست که در نهایت برای تشکیل آرایش نظری بزرگتر یکپارچه شود، به طوری که نتایج پژوهش شکل نظریه پیدا کند. کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها است (۴). در پژوهش حاضر، این مفاهیم در قالب: موجبات علی (علل پدیده اصلی)، راهبردها (استراتژی‌هایی که در پاسخ به پدیده اصلی اتخاذ می‌شوند)، ویژگی‌های زمینه‌ای (شرایط بسترساز خاص مؤثر بر راهبردها)، شرایط محیطی (شرایط عام مؤثر بر راهبردها)، و پیامدها (نتایج به کار بستن راهبردها) به صورت نظری از طریق مدل پارادایمی به هم مرتبط شدند. در پایان با انجام کدگذاری گزینشی، نظریه پژوهش درباره مدل توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد روایت شده است. شکل شماره ۱ مراحل انجام پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:



شکل ۱. فرایند اجرای پژوهش حاضر

برای سنجش روایی این پژوهش، گزارش پایانی فرایند تحلیل داده‌ها و مقوله‌های حاصل شده، به همراه متن مصاحبه برای چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان فرستاده شد و از نظرات آن‌ها در کدگذاری‌ها و طراحی الگو استفاده شد که این روند حدود یک ماه به طول انجامید. همچنین فرایند کدگذاری‌ها، توسط ۲ نفر از استادان صاحب‌نظر که خود عضو گروه مصاحبه نبودند، بررسی و پیشنهادات آن‌ها در تدوین مدل استفاده گردید. پژوهشگر به منظور سنجش پایایی ابزار کیفی، دو مصاحبه آزمایشی ترتیب داد و پس از

تحلیل نتایج و سپس مقایسه با اهداف و سؤالات پژوهش، اصلاحاتی در سؤالات و اولویت‌بندی پرسش‌ها داده شد تا باعث افزایش دقت ابزار پژوهش شود.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شونده‌های پژوهش حاضر

حوزه تخصصی در ورزش	سابقه	مدرک تحصیلی	جنسیت	
مدیریت ورزشی	۲۰ سال	دکتری	مرد	۱
مدیریت ورزشی	۱۲ سال	دکتری	مرد	۲
مدیریت استراتژیک ورزشی	۱۴ سال	دکتری	مرد	۳
مدیریت ورزشی	۱۹ سال	دکتری	مرد	۴
مدیریت ورزشی	۱۴ سال	دکتری	مرد	۵
مدیریت ورزشی	۱۶ سال	دکتری	زن	۶
یادگیری حرکتی	۱۴ سال	دکتری	مرد	۷
مدیریت ورزشی	۱۵ سال	دکتری	مرد	۸
مدیریت ورزشی	۱۸ سال	دکتری	مرد	۹
مدیریت ورزشی	۱۳ سال	دکتری	مرد	۱۰
مدیریت ورزشی	۱۶ سال	دکتری	مرد	۱۱
یادگیری حرکتی	۱۰ سال	دکتری	مرد	۱۲
مدیریت استراتژیک ورزشی	۱۲ سال	دکتری	مرد	۱۳
مدیریت ورزشی	۲۴ سال	دکتری	مرد	۱۴
مدیریت ورزشی	۱۵ سال	دکتری	مرد	۱۵
مدیریت ورزشی	۵ سال	دکتری	مرد	۱۶
مدیریت ورزشی	۱۰ سال	دکتری	مرد	۱۷
مدیریت ورزشی	۲۰ سال	دکتری	مرد	۱۸
مدیریت ورزشی	۱۶ سال	دکتری	مرد	۱۹
مدیریت استراتژیک ورزشی	۱۵ سال	دکتری	مرد	۲۰

در پژوهش حاضر از نظرات ۲۰ نفر از متخصصین امر ورزش همگانی در رده‌ی مدیران تربیت بدنی در رده صف و ستاد و اعضای هیأت علمی مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های سراسری استفاده گردید. جدول شماره ۱ مشخصات مصاحبه‌شوندگان پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

کدگذاری باز

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های انجام شده پس از پیاده‌سازی، سطر به سطر بررسی و پاراگراف‌بندی شد و هر یک در جدولی لیست گردید. سپس مفاهیم استخراج شده، ثبت و روند کدگذاری باز انجام گرفت و

در نهایت ۴۵۰ کد باز از مصاحبه‌های پیاده سازی شده استخراج گردید. در جدول شماره (۲) یکی از مصاحبه‌های پیاده سازی شده در فرایند کدگذاری باز برای نمونه آورده شده است.

جدول ۲. نمونه ای از مفاهیم استخراج شده و کدهای باز

مفاهیم استخراج شده	کدهای باز
شهرهای ما از امنیت پائینی جهت انجام فعالیت های ورزشی برخوردار هستند. نرخ اعتیاد به مواد مخدر سنتی و صنعتی در کشور ما افزایش یافته است.	- پائین بودن امنیت شهرها -افزایش نرخ اعتیاد در جامعه
یکی از عوامل عدم توسعه ورزش همگانی در دانشگاه، فقدان نیروهای متخصص ورزش همگانی در تربیت بدنی دانشگاه (ستادی و اجرایی) است. بانک جامع اطلاعات اعضای هیأت علمی و کارکنان تربیت بدنی دانشگاه جهت بهره گیری از تخصص آنها وجود ندارد.	-نبود نیروهای متخصص ورزش همگانی در رده صف - نبود نیروهای متخصص ورزش همگانی در رده ستادی -فقدان بانک جامع اطلاعات منابع انسانی تربیت بدنی دانشگاه
یکی از مهمترین مشکلات ما این است که بیشتر واحد های دانشگاهی به ناچار به سمت تحصیلات تکمیلی گرایش یافته اند؛ لذا دانشجویان در دانشگاه حضور آن چنانی ندارند و زمانی برای انجام فعالیت های ورزشی نیست. در این راستا ما هم برنامه های آموزشی جهت دانش افزایی قشر دانشگاهی نداشته ایم. در مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز واحدهای درسی تربیت بدنی نیز در نظر نگرفته ایم.	-گرایش واحد های دانشگاهی به تحصیلات تکمیلی -نبود وقت کافی برای ورزش کردن -عدم برگزاری دوره های آموزشی توسط تربیت بدنی دانشگاه در حوزه ورزش همگانی -نبود واحد درسی تربیت بدنی و ورزش در مقاطع ارشد و دکترا
ما می توانیم در محیط خوابگاه ها برنامه ها و جشنواره های ورزش همگانی را برگزار کنیم تا بدین شکل میزان مشارکت دانشجویان را افزایش دهیم. در کنار جشنواره های ورزشی می توانیم جشنواره های غیر ورزشی را برگزار نمائیم تا افراد غیرورزشکار هم به این بهانه مشارکت خوبی داشته باشند.	-برگزاری جشنواره های ورزش همگانی در خوابگاه ها جهت افزایش مشارکت در فعالیت های ورزش همگانی -برگزاری جشنواره های تلفیقی ورزشی و غیر ورزشی در محیط خوابگاه جهت افزایش مشارکت
یکی از موانع مهم در ورزش همگانی آن است که دولت، مجلس و نمایندگان مجلس به ورزش نگاه سیاسی دارند. دخالت سیاسی در عزل و نصب مدیران ما در کشور مشکل دیگری است که باید مطرح نظر قرار گیرد.	-نگاه سیاسی به ورزش -عزل و نصب سیاسی مدیران

کدگذاری محوری

در مرحله کدگذاری محوری، با بررسی دقیق مقوله‌های شناسایی شده و شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان، مقوله‌های کشف شده تحت مقوله‌های اصلی قرار گرفت. در پژوهش حاضر، در مرحله کدگذاری محوری، تعداد ۳۸ مفهوم و ۱۴ مقوله، شناسایی شد. نمونه‌ای از کدگذاری محوری در جدول شماره ۳ آورده شده است.

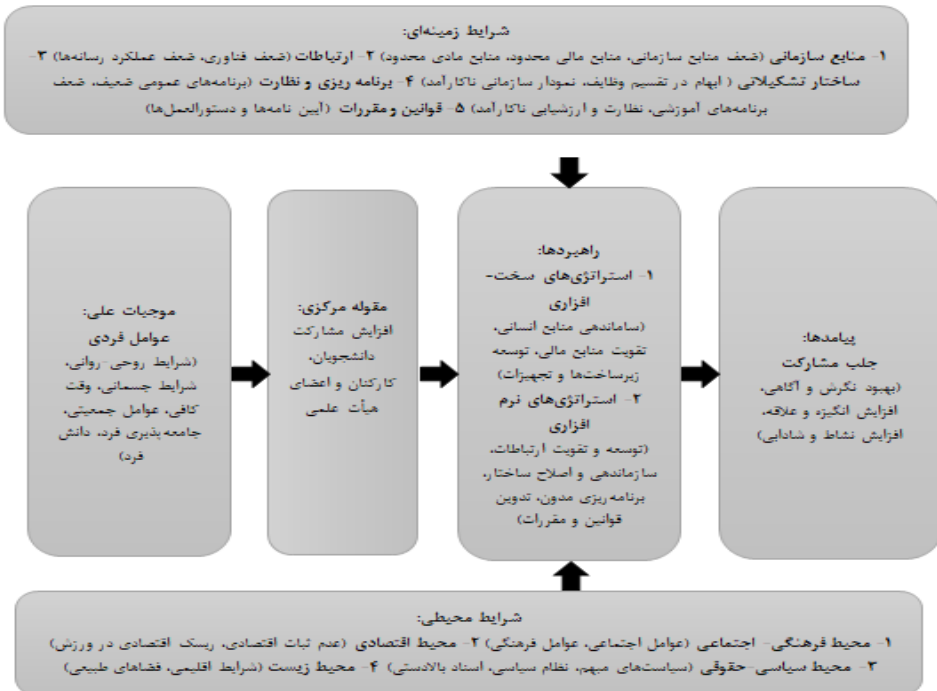
جدول ۳. نمونه مقوله‌های شناسایی شده در کدگذاری محوری

مقوله	مفاهیم	کدهای باز
محیط فرهنگی اجتماعی	عوامل اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - رواج زندگی غیرفعال افراد جامعه - میزان مشارکت پائین زنان جامعه در ورزش - پائین بودن امنیت در شهرها - افزایش نرخ اعتیاد در جامعه - کاهش ساعات اوقات فراغت افراد جامعه - سهم اندک ورزش همگانی در رسانه‌ها - گرایش جوانان به تفریحات ناسالم
	عوامل فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - نهادینه نشدن ورزش در جامعه - مصونیت‌های فرهنگی زنان
محیط اقتصادی	عدم ثبات اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - نرخ تورم و گرانی - نوسانات و تغییرات قیمت ارز در بازار - تحریم اقتصادی - عدم توجه به خصوصی سازی در ورزش - بالابودن بهره وام بانکی - میزان درآمد پایین مردم
	ریسک اقتصادی در ورزش	<ul style="list-style-type: none"> - سود کم ورزش نسبت به سایر فعالیت‌ها - عدم تمایل شرکت‌ها در حمایت از ورزش دانشجویی - نبود یارانه ورزشی
محیط سیاسی	سیاست‌های مبهم	<ul style="list-style-type: none"> - نامشخص بودن سیاست‌های توسعه ورزش دانشجویی - فقدان نگاه جامع به ورزش دانشجویی
	نظام سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> - عزل و نصب‌های سیاسی - نگاه سیاسی سیاستمداران به ورزش
محیط زیست	شرایط اقلیمی	<ul style="list-style-type: none"> - شرایط آب و هوایی متغیر - چهار فصل بودن کشور
	فضاهای طبیعی	<ul style="list-style-type: none"> - وجود فضاهای سبز و تفریحی - وجود فضاهای طبیعی مثل جنگل‌ها و ...

کدگذاری انتخابی

زمانی یافته‌های پژوهش شکل نظریه به خود می‌گیرد که یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها صورت گیرد و مقوله‌ها به یکدیگر پیوسته و طرح نظری بزرگتری را شکل دهند. در یکپارچه‌سازی، مقوله‌ها، حول یک مفهوم که قدرت توضیح‌دهندگی دارد مرتب می‌شوند. از چندین تکنیک، برای یکپارچه‌سازی مقوله‌ها می‌توان استفاده کرد که شامل نوشتن سیر داستان، استفاده از نمودار، مرتب و مرور کردن یادداشت‌ها و استفاده از برنامه‌های کامپیوتری است. در پژوهش حاضر، محقق در کدگذاری انتخابی با یکپارچه‌سازی مقوله‌های کشف شده از تمام مصاحبه‌ها، مقوله‌های اصلی و فرعی را شناسایی کرد و با بهره بردن از

تکنیک نوشتن خط سیر داستان، به تدوین نظریه پرداخت. مدل مفهومی استخراج شده در این پژوهش، مدل توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد را نشان می‌دهد که مبتنی بر یافته‌های این پژوهش به دست آمده است. در ادامه، پس از ارائه مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل شماره ۱، به تشریح هر یک از مؤلفه‌ها و کارکرد الگوی تدوین شده، پرداخته شده است:



شکل ۱- مدل پارادایمی توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی

هدف اصلی این پژوهش دستیابی به مدل ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی کشور است. لذا براساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها و ادبیات نظری و مصاحبه‌ها، اقدام به استخراج و طراحی این مدل شده است. بر پایه این مدل می‌توان فرایند ورزش همگانی دانشگاه را تجزیه و تحلیل نموده و به نوعی دسته‌بندی جدیدی دست یافت که مبتنی بر نظرات خبرگان ورزش همگانی در کشور است. متناسب با نتایج، منابع سازمانی، ارتباطات، ساختار تشکیلاتی، برنامه ریزی و نظارت و قوانین و مقررات به عنوان ۵ عامل در شرایط زمینه‌ای شناسایی شدند. همچنین پیامدها شامل جلب مشارکت؛ راهبردها شامل استراتژی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری؛ مقوله‌ها شامل افزایش مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی و موجبات علی شامل عوامل فردی بوده است. نهایتاً این که محیط فرهنگی-اجتماعی؛ اقتصادی، سیاسی-حقوقی و زیستی به عنوان شرایط محیطی ورزش همگانی دانشجویی

دانشگاه آزاد اسلامی شناسایی گردیدند. در نتیجه این مدل به عنوان یک چارچوب مناسب و بومی برای پژوهش ها و مطالعات در این حوزه است و به عنوان مقدمه ای به منظور همگانی شدن ورزش در بین قشر دانشگاهی می تواند مبنای عمل قرار گیرد و به یک شناخت جامع بر پایه شناسایی عوامل موثر بر ورزش همگانی و چگونگی تعامل با یکدیگر پدید آورد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، به ارائه مدل توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته است. بدین منظور از نظریه داده بنیاد برای ارائه الگو استفاده گردیده و مدل ارائه شده، از فرآیندهای کدگذاری ناشی از مصاحبه با نخبگان به دست آمده است. نتایج تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه، ارائه مدل پارادایمی توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی را با ۱۴ مقوله و ۳۸ مفهوم در قالب ابعاد ۶ گانه، شامل موجبات علی (۱ مقوله)، پدیده اصلی (افزایش مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی)، راهبرد (۲ مقوله)، ویژگی‌های زمینه‌ای (۵ مقوله)، شرایط محیطی (۴ مقوله) و پیامد (۱ مقوله) بوده است. در مدل طراحی شده، عوامل فردی به عنوان موجبات علی در نظر گرفته شده‌اند. مدل تحقیق، نشان می‌دهد که عوامل فردی بر توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی و افزایش مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی تأثیر مستقیمی داشته و توجه به نقش این عوامل در کارکرد مدل ضروری است. عوامل فردی مدل تحقیق شامل دانش فرد، شرایط روحی روانی، شرایط جسمانی، وقت کافی، عوامل جمعیتی و جامعه پذیری فرد است. حفظ اللسان (۱۳۹۵)، در پژوهش خود نشان داد داشتن همراه، ارتباط و تعامل با افراد، عضویت در گروه، حمایت و پشتیبانی خانواده، عوامل روانشناختی، عوامل جمعیتی و دانش و آگاهی فرد، شکل دهنده سطح رفتاری مدل ورزش همگانی دانشگاه‌های دولتی است که با نتایج تحقیق حاضر همسو می‌باشد. بنابراین نگرش مثبت قشر دانشگاهی نسبت به مشارکت، کسب شادابی و نشاط و کسب لذت به عنوان شرایط روحی روانی، در گرایش و جذب افراد به فعالیت‌های ورزشی، حائز اهمیت است. مهدی زاده (۱۳۹۲)، عامل روانشناختی را فاکتور چندان مهمی در مشارکت قشر دانشگاهی قلمداد نکرده و گزارش می‌کند که این عامل، محدودیت اندکی برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی ایجاد می‌نماید که با نتایج تحقیق حاضر نا همسو است؛ چرا که طبق مدل تحقیق حاضر، عامل روحی - روانی تأثیر مستقیمی بر افزایش مشارکت جامعه دانشگاهی در فعالیت‌های ورزشی داشته و می‌تواند به عنوان یک مانع بزرگ قلمداد گردد. در این راستا، به نظر می‌رسد بهترین راه حل برای از میان برداشتن موانع روانشناختی افراد برای شرکت در فعالیت بدنی، استفاده از روانشناسان و مشاوران متخصص در این زمینه باشد. پدیده محوری در این مدل، افزایش میزان مشارکت دانشجویان،



کارکنان و اعضای هیأت علمی در فعالیتهای ورزش همگانی دانشگاه بوده و مقوله‌ها، بر مبنای مدل پارادایمی حول آن سازماندهی می‌گردد.

مدل تحقیق نشان می‌دهد منابع انسانی، مادی و مالی، تبیین‌کننده منابع سازمانی دانشگاه آزاد اسلامی جهت توسعه ورزش همگانی و در نتیجه، افزایش مشارکت قشر دانشگاهی در این دانشگاه است. بر اساس مدل ارائه شده، تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی (رده صف و ستاد)، با ضعف منابع انسانی در حوزه ورزش همگانی روبروست. نیروی انسانی متخصص و کارآمد، مهم‌ترین سرمایه هر سازمان و جامعه‌ای محسوب می‌گردد. منابع انسانی در بخش ورزش همگانی شامل مدیران، کارکنان، مربیان و نیروهای داوطلبی است که هر دسته می‌تواند نقش مهمی را مقدم بر منابع مالی و مادی، در ارتقاء و توسعه ورزش همگانی در دانشگاه و نهایتاً نهادینه شدن آن در کشور ایفاء کند؛ آصفی و همکاران (۱۳۹۲)، منابع انسانی را به عنوان یکی از عوامل نهادینه کردن ورزش همگانی در کنار سایر عوامل معرفی می‌کنند. شعبانی (۱۳۹۳) نیز گزارش می‌کند مهم‌ترین نقطه ضعف ورزش همگانی کشور، عدم بکارگیری نیروهای انسانی متخصص و کارشناس است که با نتایج تحقیق حاضر همسو است. دانشگاه آزاد اسلامی نیز همانند سایر نهادها و ارگان‌های کشور، در حوزه ورزش همگانی با ضعف نیروی انسانی متخصص مواجه است و در این راستا می‌بایست تخصص‌گرایی و شایسته‌گزینی، استفاده از متخصصان ورزشی و نیروهای داوطلب را مد نظر قرار دهد. طبق مدل تحقیق، یکی از عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی، منابع مادی دانشگاه است. منظور از منابع مادی، تجهیزات و زیرساخت‌های ورزشی شامل کلیه ابزارها، دستگاه‌ها و تسهیلات ورزشی مورد نیاز رشته‌های ورزشی مختلف و همچنین فضاها و کلیه عوامل تأسیساتی، خدماتی-رفاهی و بهداشتی ورزش همگانی است که اجرای فعالیتهای ورزشی را در سطح آموزش، تمرین و رقابت تسهیل می‌کند (۸). بدون شک، برای پرداختن به هر کاری، باید ابتدا امکانات و زیرساخت‌های آن فراهم گردد. در همین رابطه جوادی پور (۱۳۹۲) نشان داد توسعه باشگاه‌ها و اماکن عمومی ورزشی، از عوامل اصلی توسعه ورزش همگانی در کشورهای استرالیا، ژاپن، مالزی، فنلاند و دانمارک بوده است. همچنین عراقی (۱۳۹۳) در تحقیق خود کمبود امکانات را به عنوان مهم‌ترین مانع و مشکل توسعه ورزش همگانی و تفریحی معرفی کرده است که با نتایج تحقیق حاضر همسو است. اما نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) ناهم‌سوست، چرا که آنان گزارش کرده‌اند بدلیل ماهیت ورزش همگانی، با حداقل امکانات نیز می‌توان به فعالیت ورزشی پرداخت. طبق نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان، دانشگاه آزاد اسلامی در حوزه ورزش همگانی با محدودیت زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزشی مواجه بوده و بیشتر فضاها و تجهیزات ورزشی موجود نیز ویژه ورزش قهرمانی و با هدف کسب مدال و عناوین قهرمانی طراحی و ساخته شده است. بنابراین با عنایت به اهمیت بالای وجود امکانات و زیرساخت‌ها در راستای توسعه ورزش همگانی، انتظار می‌رود مسئولان مربوطه جهت برطرف ساختن

کمبودهای منابع مادی چاره اندیشی کنند تا بدین شکل مشارکت قشر دانشگاهی در فعالیت‌های ورزش همگانی افزایش یابد. علاوه بر این، بر طبق مدل، منابع مالی دانشگاه نقش بسزایی در افزایش مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی در فعالیت‌های ورزش همگانی ایفاء می‌نماید. از آنجا که اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ورزشی به منابع مالی نیاز دارد، لذا منابع مالی می‌تواند به عنوان عامل توسعه ورزش تلقی گردد. آصفی (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان می‌دهد اختصاص بودجه مناسب و کافی به ورزش همگانی، می‌تواند به نهادینه‌سازی آن در جامعه کمک کند. سمیع نیا (۱۳۹۲) در آسیب شناسی ورزش همگانی کشور، پایین بودن بودجه اختصاصی به ورزش همگانی را از ضعف‌های عمده این حوزه بیان کرد. به نظر می‌رسد در دانشگاه آزاد اسلامی همانند سایر سازمان‌ها، اعتقاد مدیران بر آن است که اختصاص بودجه کافی به منظور پیشبرد اهداف توسعه ورزش همگانی، نوعی هزینه اضافی را متحمل سازمان می‌نماید. به همین دلیل فارغ از آثار مثبت روحی روانی و جسمانی ورزش عمومی بر افراد، بودجه اندکی به این نوع ورزش اختصاص داده می‌شود و مانع بزرگی را بر سر راه توسعه و پیشرفت ورزش همگانی در دانشگاه ایجاد می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت چنانچه بودجه مناسب و کافی برای توسعه ورزش همگانی در دانشگاه، هم در بخش ساخت و تأسیس امکانات و تجهیزات و هم در بخش اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ورزشی در امر ورزش همگانی اختصاص یابد، بی‌شک شاهد پیشرفت و توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی خواهیم بود.

طبق مدل پارادایمی پژوهش حاضر، مقوله ارتباطات، به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای بر افزایش میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزش همگانی دانشگاه آزاد اثر گذار است. ضعف فناوری و عملکرد ضعیف رسانه‌های دانشگاه، اهمیت مقوله ارتباطات را در مدل نمایان می‌سازد. منظور از فناوری در مقوله ارتباطات، مجموعه‌ای از سخت افزارها، نرم افزارها و شبکه‌های اطلاعاتی و دانش فنی لازم است که برای جمع آوری، پردازش، ذخیره‌سازی و توزیع داده‌ها در حوزه ورزش همگانی کشور استفاده می‌شود (۳). شیبانی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود تأکید می‌کند که سازمان‌های متولی ورزش همگانی، فناوری را همانند فرصتی ارزشمند، به منظور پاسخگویی به تحولات سریع محیطی و افزایش کارایی به کار گیرند. در همین رابطه می‌توان اپلیکیشن‌های ورزش همگانی را جهت آگاهی بخشی و دانش‌افزایی به قشر دانشگاهی مورد توجه قرار داد. همچنین طراحی پورتال جامع ورزش همگانی با استفاده از ظرفیت درون‌زای دانشگاه حائز اهمیت است. اکثر مصاحبه شونده‌گان عملکرد ضعیف رسانه‌های داخلی دانشگاه را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت اندک قشر دانشگاهی در فعالیت‌های ورزش همگانی برشمرده‌اند. بر این اساس فقدان ایده‌های نوآورانه جهت ترغیب افراد، کم توجهی به تبلیغ برنامه‌های ورزش همگانی، ضعف عملکرد روابط عمومی واحدها و مراکز دانشگاهی و سهم اندک ورزش همگانی در اخبار دانشجویی، گواه بر عملکرد بسیار ضعیف رسانه‌ها در دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد. مهدی‌زاده

(۱۳۹۳)، در پژوهش خود نشان داد که عدم اطلاع رسانی و تبلیغات مناسب درباره ورزش و فعالیت‌های ورزشی دانشگاه، از مهم ترین عوامل بازدارنده مشارکت در فعالیت‌های ورزشی است. شعبانی (۱۳۹۰) نیز سهم اندک رسانه‌ها در ترویج ورزش همگانی را از چالش‌های مهم ورزش همگانی برشمرده است. همچنین شعبانی (۱۳۹۴)، گزارش کرد که رسانه‌های گروهی اثر مثبت و معنی داری بر تشویق مردم به ورزش دارند، ولی از طرفی، برخی رسانه‌ها بیشتر به ترویج و توسعه ورزش حرفه‌ای پرداخته و در ورزش همگانی سهم کمتری داشته‌اند. علی‌رغم تأثیر رسانه‌ها بر توسعه ورزش همگانی، لیکن متأسفانه رسانه‌های دانشگاه، توجه مناسب و مطلوبی به این مسئله نداشته و در برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی خود، زمان لازم را به ورزش همگانی اختصاص نداده و بیشتر برنامه‌ها، معطوف به ورزش‌های حرفه‌ای و قهرمانی است. لذا انتظار می‌رود با توجه به نقش ورزش‌های تفریحی و همگانی بر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی جامعه، تربیت بدنی دانشگاه، توجه و نگاه ویژه‌ای به اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع از فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزشی و فوق برنامه داشته باشد.

بر اساس مدل استخراج شده از پژوهش حاضر، ساختار تشکیلاتی تربیت بدنی دانشگاه بر توسعه و نهایتاً مشارکت حداکثری در ورزش همگانی اثرگذار است. ابهام در تقسیم وظایف، نمودار سازمانی ناکارآمد و تنزل جایگاه تربیت بدنی دانشگاه، به درستی نقش ساختار ناکارآمد سازمانی را در مدل پارادایمی تحقیق نشان می‌دهد. احسانی (۱۳۹۳)، در گزارش خود تأکید کرده است که در توسعه ورزش همگانی مقدم بر سایر اقدامات مختلف، بایستی وحدت سیاست گذاری، تدوین شرح وظایف و تقسیم کار و ایجاد تعاملات مستمر در بین سازمان‌ها و نهادهای حوزه ورزش همگانی در سطح مختلف وجود داشته باشد تا مشارکت افراد جامعه در فعالیت‌های بدنی گسترش یابد. جوادی پور (۱۳۹۶)، ساختار ضعیف تشکیلاتی را به عنوان یکی از آسیب‌های موجود در فرآیند سیاست گذاری ورزش همگانی کشور معرفی کرده است که با نتایج تحقیق حاضر همسو است. در دانشگاه آزاد اسلامی، شرح وظایف اداره تربیت بدنی واحدها در حوزه ورزش همگانی نامشخص است و این مهم به سردرگمی و هدررفت منابع در دانشگاه منتج گردیده است. هم چنین، عدم واگذاری اختیارات کافی به واحدها، طبق نظر اکثر مصاحبه شوندگان، عملکرد ضعیف در حوزه ورزش همگانی، عدم استفاده از پتانسیل‌های هر منطقه و عدم بهره‌گیری از توانمندی‌های مدیران و مسئولان تربیت بدنی را رقم زده است. علاوه بر این، علی‌رغم سیاست عدم جذب نیرو و کمبود نیروی انسانی متخصص تربیت بدنی در دانشگاه آزاد اسلامی، اقدام جدی در جهت فعال نمودن انجمن‌های ورزشی چه در حوزه ورزش همگانی و چه ورزش قهرمانی از گذشته تاکنون صورت نگرفته است. مدل تحقیق حاضر نشان می‌دهد ارتقاء جایگاه تربیت بدنی و ورزش در دانشگاه آزاد اسلامی، خصوصاً ورزش همگانی، می‌تواند موجبات توسعه و تعمیم ورزش همگانی و در نهایت مشارکت حداکثری قشر دانشگاهی در فعالیت‌های ورزشی را فراهم آورد. بنابراین به منظور جلوگیری از اجرای برنامه‌های موقتی و گاهاً

سرسری در ادارات تربیت بدنی دانشگاه و جلوگیری از هدررفت منابع، شرح وظایف ادارات خصوصاً در زمینه ورزش همگانی باید کاملاً شفاف و دقیق توسط اداره کل تربیت بدنی تدوین و ابلاغ گردد. یکی دیگر از مقوله‌های شناسایی شده در مدل تحقیق، برنامه‌ریزی و نظارت است. اکثر مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که برنامه‌های عمومی تربیت بدنی دانشگاه، محدود و سازمان نیافته بوده و برنامه‌های آموزشی تربیت بدنی در حوزه ورزش همگانی بسیار ضعیف است که این مهم اهمیت توجه به برنامه‌ریزی را در تربیت بدنی دانشگاه برجسته می‌نماید. در این زمینه، نتایج تحقیقات نشان داده است یکی از دلایل رکود و عدم پیشرفت ورزش در دانشگاه و همچنین عدم تمایل دانشجویان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به هنگام فراغت، بی‌شک ناشی از توجه ناکافی در برنامه‌ریزی ورزشی دانشگاه و کیفیت نامطلوب برنامه‌های ورزشی است. آصفی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود نشان داد عدم سیاست‌گذاری و هدایت راهبردی منسجم و صحیح، نبود چشم انداز صحیح و اهداف بلندمدت مناسب و در نهایت نبود برنامه‌های سالانه و عملیاتی مناسب، مانع توسعه ورزش همگانی دانشگاه شده است که با یافته‌های تحقیق حاضر هم خوانی دارد. شعبانی (۱۳۹۳) نیز گزارش کرد که فقدان برنامه‌های مدون، جهت تشویق و ترغیب مردم به ورزش همگانی، یکی از مهم‌ترین ضعف‌ها و آسیب‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور است. لذا با توجه به این مسئله می‌توان گفت، تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی مناسب و قابل اجرا در امر ورزش همگانی دانشگاه، می‌تواند مسیر توسعه آن را هموار سازد. هم چنین نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد عدم وجود برنامه‌های آموزشی مناسب ویژه ورزش همگانی، نبود سیستم آموزشی مناسب جهت تربیت افراد شایسته به منظور آموزش ورزش همگانی و عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب در امر ورزش همگانی، مانع توسعه ورزش همگانی دانشگاه شده است. آصفی (۱۳۹۵) نشان داد که نبود برنامه‌های آموزشی و ترویجی مناسب برای ورزش همگانی، نبود سیستم آموزشی مناسب برای تربیت افراد شایسته به منظور آموزش ورزش همگانی و عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب در امر ورزش همگانی، مانع توسعه ورزش همگانی دانشگاه شده است. بنابراین می‌توان اذعان کرد، آموزش ورزش همگانی در دانشگاه، از مهمترین عوامل توسعه ورزش همگانی است. لذا مسئولان ورزش دانشگاه باید روش‌های مناسب آموزشی را برای ارتقاء و توسعه ورزش طراحی و اجرا نمایند. همچنین عدم نظارت صحیح بر شاخص‌های عملکردی ورزش همگانی واحدها، ضعف نظام پایش مشارکت در ورزش همگانی و نبود مراکز تعیین آمادگی جسمانی افراد، مبین چارچوب نظارتی ضعیف در تربیت بدنی دانشگاه است که این مهم، ضرورت نظارت و ارزشیابی دقیق در برنامه‌های ورزش همگانی را برجسته می‌نماید. ارزیابی، در مرکز هر فعالیت و برنامه اجرایی قرار داشته و بدون آن هیچ برنامه‌ای درست اجرا نمی‌شود. جوادی پور (۱۳۹۶)، نشان داد که آسیب‌های موجود در فرآیند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور، شامل عواملی چون ضعف نظارت و کنترل، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا و غیره است. حفظ اللسان (۱۳۹۵) نیز

در تحقیق خود نشان داد، مقوله‌های استاندارد و ارزیابی و مدیریت و برنامه‌ریزی، در سطح سازمانی مدل ورزش همگانی دانشگاه‌های دولتی دخیل است که می‌تواند در توسعه ورزش همگانی دانشگاه‌های دولتی اثرگذار باشد که با یافته‌های تحقیق حاضر همخوانی دارد. با توجه به این مسأله به نظر می‌رسد، تدوین شاخص‌های نظارت و ارزیابی بر عملکرد تربیت بدنی دانشگاه در حوزه ورزش همگانی، بازآموزی مدیران تربیت‌بدنی واحدهای دانشگاهی در این زمینه و تشکیل کمیته نظارت و ارزشیابی ضروری باشد. مدل تحقیق حاضر نشان می‌دهد، الزامات قانونی و داشتن جایگاه حقوقی ورزش همگانی در دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند به توسعه آن کمک کند. آصفی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود بیان کرد که تدوین قوانین و مقررات مناسب و لازم‌الاجرا در زمینه ورزش همگانی، می‌تواند در نهادینه شدن آن مؤثر باشد. اما در دانشگاه آزاد اسلامی، آئین‌نامه‌های رشته‌های ورزش همگانی ضعیف بوده، ضمن این که آیین‌نامه‌هایی جهت توسعه ورزش همگانی در این دانشگاه وجود ندارد. علاوه بر این، آیین‌نامه‌های تشویقی مشارکت در ورزش همگانی به منظور تشویق افراد و افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزش همگانی نیز بسیار ضعیف می‌باشد. بنابراین، زمانی که قوانین دانشگاه حمایت لازم از توسعه ورزش همگانی را به عمل نیاورد و ضمانت‌های اجرایی مناسب، برای پاره‌ای از قوانین موجود وجود نداشته باشد، بی‌شک، امر توسعه ورزش همگانی با مشکل مواجه خواهد شد. شرایط محیطی، شرایطی نظیر فراهم‌کننده‌های بیرونی یا بسترهای زمینه‌ای بیرونی می‌باشند که راهبردها در این زمینه به صورت اجرایی ثمربخش هستند. یکی از شرایط محیطی که بر توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی اثر گذار است، محیط فرهنگی اجتماعی است. فرهنگ ضعیف ورزش در جامعه و محدودیت‌های فرهنگی زنان، می‌تواند بر میزان مشارکت حداکثری افراد جامعه تأثیر منفی داشته باشد. در این راستا، مهدی‌زاده (۱۳۹۳)، در پژوهش خود گزارش می‌کند فرهنگ سازی ضعیف در زمینه ورزش همگانی و محدودیت‌های فرهنگی موجود در زمینه فعالیت‌بدنی، از مهم‌ترین موانع مشارکت در فعالیت‌های بدنی افراد شناخته می‌شود. بنابراین، تلاش برای ایجاد فرهنگ ورزش و فعالیت‌بدنی و از بین بردن برخی از نگرش‌های منفی نسبت به مشارکت در این گونه فعالیت‌ها، به ویژه در مورد بانوان، ضروری است. می‌توان با اتخاذ مکانیسم‌های فرهنگی - اجتماعی نظیر آموزش سبک زندگی ورزش محور، ترغیب بانوان جامعه جهت گرایش به سمت ورزش، بالا بردن امنیت شهرها، تقویت و ارتقاء سلامت عمومی و افزایش گرایش جوانان به تفریحات سالم، کاهش محدودیت‌های فرهنگی زنان و نهادینه کردن ورزش در جامعه، زمینه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی که باعث افزایش میزان مشارکت افراد به ورزش می‌شود را فراهم کرد. محیط اقتصادی در برگیرنده رکود اقتصادی، نرخ بیکاری، نرخ تورم، نرخ سرمایه‌گذاری، رشد درآمد ملی، پس انداز، سرمایه‌گذاری‌ها، قیمت‌ها، دستمزدها، بهره‌وری، نرخ استخدام (۲۶) و در مدل حاضر شامل عدم ثبات اقتصادی کشور و ریسک اقتصادی در ورزش است که بر میزان مشارکت افراد در ورزش همگانی دانشگاه

اثر می‌گذارد. در تحقیقات چارچوب ورزش انگلستان (۲۰۰۴) به این موضوع اشاره شده است که تقریباً در اکثر بررسی‌های انجام شده، بعد مالی و یا اقتصادی، عاملی است که به خود فعالیت‌ها مربوط نمی‌شود، بلکه به ایجاد بسترهای اقتصادی نظیر تورم، گرانی، درآمد پایین و هزینه‌های بالای مشارکت مربوط می‌باشد که خود این عوامل به دسته‌ای دیگر نظیر تحریم، اقتصاد مقاومتی و بسترهای کلان دیگر وابسته هستند.

بر اساس مدل تحقیق، محیط سیاسی - حقوقی از دیگر عوامل محیطی است که بر توسعه و تعمیم ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی اثر گذار است. محیط سیاسی - حقوقی، در برگزیده‌ی مواضع و سیاست‌هایی است که دولت درباره‌ی موضوعی به کار می‌گیرد. در مطالعه‌ی حاضر، محیط سیاسی - حقوقی شامل سیاست‌های نامشخص توسعه‌ی ورزش دانشجویی، فقدان نگاه جامع به ورزش دانشجویی، عزل و نصب‌های سیاسی، نگاه سیاسی مسئولین به ورزش و وجود اسناد بالادستی نظیر برنامه ششم توسعه و اصل سوم قانون اساسی کشور است که می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر همگانی شدن ورزش دانشگاه آزاد اسلامی اثر گذار باشد.

مسائل زیست محیطی، اثرات ژرفی بر بسیاری از سازمان‌ها و پدیده‌ها دارد (۹). منابع انسانی باید حداکثر استفاده را از فضاهای طبیعی و شرایط اقلیمی و آب و هوایی ایران ببرند؛ چرا که ورزش در فضای آزاد معمولاً هزینه کمتری از ورزش در اماکن ورزشی سرپوشیده دارد و محیط زیست می‌تواند در افزایش مشارکت مردم به ورزش اثر گذار باشد. سمیع نیا (۱۳۹۲)، تنوع آب و هوایی چهارگانه کشور، همچنین وجود ظرفیت‌های موجود از منظر وضعیت جغرافیایی و اقلیمی کشور جهت فعالیت‌های گردشگری، طبیعت گردی و غیره را از فرصت‌های پیش روی ورزش همگانی کشور ارائه کرده که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. بنابراین انتظار می‌رود برنامه‌های مختلف ورزش همگانی، متناسب با فضاهای طبیعی و شرایط اقلیمی هر منطقه، به مرحله اجرا درآید.

به طور کلی می‌توان عنوان کرد که یکی از دلایل عمده ناکارآمدی برنامه‌های فعلی تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی در حوزه ورزش همگانی، نداشتن یک مدل و نقشه نظام‌مند جامع بوده و مدل ارائه شده، می‌تواند به عنوان ابزار تحلیلی ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی مبنای عمل قرار گیرد تا بتوان به گونه‌ای اصولی به حل مشکلات بی‌شمار در این حوزه از ورزش پرداخت. بر پایه‌ی مدل حاضر می‌توان فرایند ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی را تحلیل کرد و به نوعی به دسته بندی جدید دست یافت که مبتنی بر نظرات خبرگان ورزش همگانی است. این مدل، شناختی جامع و کلان بر پایه شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه‌ی ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی و چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر را فراهم می‌آورد و چارچوبی مناسب برای مطالعات بیشتر و دقیق تر در این حوزه به شمار می‌آید.

به طور کلی باید عنوان کرد که توسعه ورزش همگانی دانشگاه آزاد اسلامی و در نهایت مشارکت حداکثری دانشگاهیان در فعالیت‌های ورزش همگانی، از یک طرف متضمن ساماندهی مناسب منابع انسانی، تقویت منابع مالی و توسعه زیرساخت‌ها و تجهیزات ویژه ورزش همگانی و از سوی دیگر، توسعه و تقویت ارتباطات، سازماندهی و اصلاح ساختار، برنامه‌ریزی مدون و تدوین قوانین و مقررات می‌باشد. بنابراین، با رعایت مقوله‌های راهبردی مذکور می‌توان شاهد بهبود نگرش و آگاهی، افزایش انگیزه و علاقه و افزایش نشاط و شادابی و در نهایت افزایش جلب مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی در برنامه‌های ورزش همگانی و تفریحی در دانشگاه آزاد اسلامی بود. لذا اداره کل تربیت بدنی به عنوان متولی ورزش دانشگاه آزاد اسلامی، می‌بایست مؤلفه‌های مختلف مدل ارائه شده را در برنامه‌ها و سیاست‌های خود مد نظر قرار دهد و بدین شکل گام مهمی در جهت نهادینه کردن ورزش همگانی در دانشگاه آزاد اسلامی بردارد. از محدودیت‌های تحقیق نیز می‌توان به همکاری اندک برخی از اساتید و متخصصان برای انجام مصاحبه کیفی، عدم دسترسی به آنان، محافظه‌کاری در پاسخگویی به برخی سؤالات با وجود اطمینان به مصاحبه شونده‌گان در مورد محرمانه ماندن و ... اشاره داشت. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به طراحی و تدوین الگوی اجرایی ورزش همگانی در بین دانشجویان، شناسایی موانع ورزش همگانی با رویکرد کیفی و مطالعه تطبیقی کشورهای توسعه یافته در ارتباط با ورزش همگانی دانشجویی پرداخته شود.

منابع

- ۱- آصفی، اع؛ اسدی دستجردی، ح. (۱۳۹۵). "بررسی موانع توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و ارائه راهکارهای کاربردی توسعه آن". مدیریت ورزشی، سال هشتم، شماره ۶، صص: ۸۴۴-۸۲۳.
- ۲- ابراهیمی پور، ط؛ رضانی نژاد، ر؛ امیرنژاد، سعید. (۱۳۹۶). "تبیین الگوی تعهد به مشارکت بانوان استان مازندران در ورزش همگانی". پژوهش در ورزش تربیتی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص: ۹۳-۱۱۰.
- ۳- احسانی، م؛ صفاری، م؛ امیری، م؛ کوزه چیان، ه. (۱۳۹۳). "طراحی مدل ورزش همگانی ایران"، مطالعات مدیریت ورزشی، سال ششم، شماره ۲۷، صص: ۸۷-۱۰۸.
- ۴- استراوس آ، کربین ج. (۱۳۹۴). "مبانی پژوهش کیفی؛ متون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای". ترجمه افشار، چاپ چهارم، تهران: نشر نی، صفحه ۳۳۴.
- ۵- امامی، ص؛ حیدری نژاد، ص؛ شفیع نیا، پ. (۱۳۹۲). "تحلیل عوامل انگیزشی مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی دانشگاه". پژوهش در ورزش دانشگاهی، شماره ۵، صص: ۶۵-۸۰.
- ۶- حفظ اللسان، م. (۱۳۹۵). "طراحی و تبیین مدل توسعه ورزش همگانی دانشگاه‌های دولتی ایران". رساله دکترا، دانشگاه ارومیه.

- ۷- رحیمی، اح؛ خیامیان، ز؛ قهرمان تبریزی، ک؛ شریفیان، ا. (۱۳۹۶). "مقایسه عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی در خوابگاه های دانشجویی". پژوهش در ورزش تربیتی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص: ۱۹۲-۱۷۵.
- ۸- صفاری، مرجان. (۱۳۹۱). طراحی مدل ورزش همگانی ایران. رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۹- صفاری، م؛ قره، مع. (۱۳۹۵). "شناسایی و رتبه بندی عوامل محیطی مؤثر بر همگانی شدن ورزش های تفریحی ایران". مدیریت ورزشی، سال هشتم، شماره ۱، صص: ۶۸-۵۱.
- ۱۰- عزیزی، ب؛ جلالی فراهانی، م؛ خبیری، م. (۱۳۹۰). "بررسی نگرش دانشجویان ساکن در خوابگاه- های تهران به ورزش همگانی"، مدیریت ورزشی، شماره ۸، صص ۷۵-۹۱.
- ۱۱- قهرمان تبریزی، ک؛ رضوی محمودآبادی، م.ج. (۱۳۹۴). "اولویت بندی موانع مشارکت کارکنان ادارات دولتی استان کرمان در فعالیت های ورزشی با رویکرد منسجم آنالیز چندمعیاره و کپ لند". مدیریت ورزشی، شماره ۷، صص: ۸۳-۹۸.
- ۱۲- منافی، ف؛ رضانی نژاد، ر؛ گوهررستمی، ح؛ دستوم، صلاح. (۱۳۹۶). "تحلیل روند توسعه ورزش دانشگاهی ایران در برنامه های کلان اول تا پنجم توسعه". مدیریت و توسعه ورزش، سال ششم، شماره ۱، صص ۸۶-۶۷.
- ۱۳- مهدی زاده، ر؛ اندام، ر. (۱۳۹۳). "راهکارهای توسعه ورزش همگانی در دانشگاه های ایران". مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۲۲، صص ۳۸-۱۵.
- ۱۴- مجیدی، چ؛ کاشف، م؛ احدی، ب؛ رسول آذر، گ. (۱۳۹۴). "عوامل مرتبط با شاداب سازی و زیباسازی اماکن ورزشی بر گرایش دانشجویان خوابگاهی به فعالیت بدنی". پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۴۹-۲۹.
- ۱۵- وفایی مقدم، علی. (۱۳۹۶). "طراحی مدل سیاست گذاری ورزش همگانی ایران". رساله دکترا، دانشگاه مازندران.
- ۱۶- گودرزی، م؛ اسلامی، ا؛ علیدوستی قهفرخی، اب. (۱۳۹۴). "شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران". پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی، شماره ۳، صص: ۲۷-۱۱.

17- Brochado, A. O, Brito, P. Q, & Brochado, F. O. (2017). "Correlate of adults participation in sport and frequency in sport". Science & sport, 32(6): pp:355-363.

18- Cortes, A. S, Correa-Diaz, A. M, Benjumea-Ariasc, M. L, Valencia-Ariasa, A, & Bran-Piedrahita, L. (2017). "Motivational factors and effects

associated with physical-sport practice in undergraduate students". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 237: pp: 811-815.

19- Garn, A. C, Simonton, K, Dasingert, T, & Simonton, A. (2017). "Predicting changes in student engagement in university physical education: Application of control-value theory of achievement emotions", *Psychology of Sport and Exercise*, 29, pp: 93-102.

20- Hee Lee, K, Dvorak, R, Schuett, M. A, & Van Riper, C. J. (2017). "Understanding spatial variation of physical inactivity across the continental United States". *Landscape and Urban Planning*, 168, PP: 61-71.

21- Hugo, S., Teresa, A, & PereiraDuarte, A. (2018). "Talent Identification and Development in Male Football: A Systematic Review", *Sports Medicine*, 48(4): 907-931.

22- Hume, P. A, & Stewart, D. (2017). "Physique Assessment in Youth Sports for Talent Identification and Development", *Best Practice Protocols for Physique Assessment in Sport*, Springer, 3-10.

23- Janston, K, Mage, M, Shap, R. (2018). "Talent Identification in Sport: A Systematic Review". *Sports Medicine*, 48(1): 97-109.

24- Popeska, B, Barbareev, K, & Janevik – Ivanovska, E. (2015). "Organization and Realization of University Sport Activities in Goce Delcev University – Stip". 197, 2293-2303.

25- Pruna, R, Tribaldos, L.M, & Bahdur, K. (2018). "Player talent identification and development in football identificación de talento en el jugador y su desarrollo en el fútbol", *Apunts. Medicina de l'Esport*, 53(198): 43-46.

26- Sutin, A. R, Stephan, Y, Luchetti, M, Atese, A, Oshio, A, & Terracciano, A. (2016). "The Five-Factor Model of Personality and Physical Inactivity: A Meta-Analysis of 16 Samples". *Journal of Research in Personality*, 63, 22-38